

تأثیر انتفاضه سایبری بر هویت یابی فلسطینی‌های دیاسپورا

دکتر عبدالله کریم‌زاده^۱

چکیده

در انتفاضه دوم مردم فلسطین «فضای سایبر» به یکی از جبهه‌های مقاومت تبدیل شد و پدیده جدیدی به نام «انتفاضه سایبری» شکل گرفت. یعنی مردم فلسطین فضای سایبر را به عرصه کشاکش دو روایت فلسطینی و اسرائیلی تبدیل کردند تا روایت و صدای سرکوب شده آنها شنیده شود و هویت تاریخی آنها بازتولید شود. این پدیده باعث بازتعریف بسیاری از مفاهیم کلاسیک مقاومت ملی شد و روایت مسلط اسرائیلی‌ها در رسانه‌های بین‌المللی را به چالش کشید. علاوه بر این، انتفاضه سایبری توانست میل بازگشت به وطن را در میان فلسطینی‌های دیاسپورا تقویت و افکار عمومی جهان را با مردم فلسطین همراه کند. بر این اساس، مقاله حاضر تلاش می‌کند ضمن واکاوی این پدیده به این پرسش پاسخ دهد که فضای سایبر چه نقشی در هویت‌سازی و مقاومت ملت فلسطین دارد. برای این منظور از نظریه کنش‌مند سازی تاریخ که توسط وینتر (۲۰۱۰) مطرح شده است، استفاده شده است تا در چارچوب این نظریه نحوه هویت‌یابی فلسطینی‌های دیاسپورا در فضای سایبر مورد بحث قرار گیرد. مفروضه پژوهش حاضر این است که فضای سایبر می‌تواند جایی برای کنش‌مندسازی تاریخ باشد و در نتیجه هویت ملی و میل به مقاومت ملی را تقویت کند.

واژگان کلیدی: انتفاضه سایبری، هویت‌یابی، هویت فلسطینی، دیاسپورا.

۱- عضو هیات علمی دانشگاه تهران . رایانامه: Abdollah.karimzadeh@gmail.com

مقدمه

پس از حادثه یازدهم سپتامبر که وحشت بر جهان سایه افکنده بود، صفحات تلویزیون به کرات تصاویری از صحنه فروریختن برج‌های دوقلو را نمایش می‌دادند. در آن فضای غبارآلود، آمریکا به بهانه «مبارزه با تروریسم» به عراق و افغانستان لشکرکشی کرد و بسیاری از گروه‌های سیاسی در خاورمیانه برچسب «تروریست» و «خشونت طلب» خوردند. آن زمان «آریل شارون» که تازه به نخست‌وزیری اسرائیل منصوب شده بود، فضا را برای سرکوب فلسطینی‌ها مناسب دید، چراکه جهان در بهت حملات تروریستی آمریکا فرو رفته بود و توجه رسانه‌ها به ماجرای برج‌های دوقلو و جنگ افغانستان و عراق معطوف شده بود. در آن شرایط، رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی به چنان خشونتی دست زد که در تاریخ کم سابقه بود. مردم فلسطین در واکنش به این خشونت‌ها اقدام به یک قیام ملی و مقاومت قهرمانانه نمودند که به «انتفاضه دوم» شهرت یافت.

در جریان این انتفاضه، رژیم اسرائیل در سرتاسر فلسطین حکومت نظامی اعلام کرد و در تمام شهرها و روستاها مقررات منع رفت‌وآمد برقرار شد به طوری که مردم فلسطین اجازه نداشتند از خانه‌های خود خارج شوند. این مسئله باعث شد که زندگی مردم فلسطین فلج شود. کسب و کار، ادارات، مدارس، بیمارستان‌ها، داروخانه‌ها و همه‌جا تعطیل شده بود. ایست و بازرسی‌ها، تردد خودروهای نظامی و تانک‌های زرهی در سطح خیابان‌ها و بسته شدن ورودی و خروجی شهرها، کل فلسطین را در انزوای مطلق قرار داده بود و هیچ ارتباطی با جهان بیرون وجود نداشت. هرگاه حمله‌ای نظامی انجام می‌شد، ارتباطات تلفنی قطع می‌شد و هیچ‌کس از آمار کشته‌ها و زخمی‌ها خبر نداشت و هیچ‌یک از این خشونت‌ها پوشش خبری داده نمی‌شد (Aouragh2008:110). در چنین فضایی بود که مردم فلسطین به اهمیت دسترسی به رسانه و ابزارهای ارتباطی پی بردند و در اقدامی بی‌سابقه به «فضای سایبر» مهاجرت کردند تا جبهه‌های مقاومت در فلسطین آنلاین را به فلسطین آنلاین انتقال دهند. آنان با آنلاین کردن فلسطین نه فقط هویت فلسطینی خود، بلکه انتفاضه را نیز بازتعریف نمودند و پدیده جدیدی موسوم به «انتفاضه سایبری» را رقم زدند. مقاله حاضر برای واکاوی این پدیده نوظهور نگاشته شده است تا نشان دهد که فضای سایبر از چه

ظرفیت‌هایی برای مقاومت ملی و هویت‌یابی مردم فلسطین برخوردار است. سؤال اصلی که این مقاله را هدایت می‌کند، از این قرار است: انتفاضه سایبری به عنوان یک پدیده نوظهور چه تأثیری بر روند مبارزات فلسطینی‌ها و حل مسئله فلسطین دارد؟ نوشتار حاضر بر این فرضیه استوار است که فضای سایبر می‌تواند هویت ملی و میل به مقاومت ملی را در میان فلسطینی‌ها تقویت کند. در بخش‌های زیر تلاش می‌شود این فرضیه از رهگذر انتفاضه الأقصى یا انتفاضه دوم مردم فلسطین مورد کنکاش قرار گیرد.

چارچوب نظری

با اینکه قریب به هفتاد سال از آوارگی مردم فلسطین می‌گذرد و میلیون‌ها نفر از آنان در شرایط تبعید به سر می‌برند، اما هنوز هم از فلسطینی بودن خود خسته نشده‌اند و بر هویت فلسطینی خود تأکید می‌کنند. در عصری که هویت فلسطینی‌ها زیر سایه روایت‌های غالب صهیونیستی در حال سرکوب و فراموش شدن است، این هویت برای بقای خود نیاز به یادآوری دارد. تاریخ، خاطره‌ها، رؤیای بازگشت به وطن، روز «نکبت»، تجربه آوارگی و تبعید از جمله عناصری هستند که فلسطینی‌های دیاسپورا خودشان را با آنها هویت‌یابی می‌کنند و تلاش می‌کنند با یادآوری این عناصر مانع از فراموش شدن هویت ملی خود شوند. این یادآوری معمولاً شکل «روایت» به خود می‌گیرد و در قالب قصه، فیلم، گفت‌وگو، رسانه‌ای و غیره تکرار می‌شود. تا به حال پژوهش‌های متعددی پیرامون تأثیر تاریخ و خاطرات بر هویت‌یابی ملت‌ها انجام گرفته است و اغلب پژوهش‌ها نشان می‌دهد که این خاطرات و روایت‌های مشترک است که اعضای یک اجتماع را به هم پیوند می‌زند. در مقاله حاضر تلاش می‌شود تا هویت‌یابی فلسطینی‌های دیاسپورا از رهگذر انتفاضه سایبری مورد واکاوی قرار گیرد. برای این منظور، نظریه وینتر (۲۰۱۰) با عنوان «کنش‌مند سازی تاریخ» به عنوان چارچوب نظری این پژوهش اتخاذ شده است. به موجب این نظریه، می‌توان خاطرات گذشته را از طریق کنش‌ها یادآوری کرد. یعنی، کنش‌مند سازی باعث احیای تاریخ و در

نتیجه باعث یادآوری خاطره‌های مشترک و تقویت هویت ملی می‌شود. بر این اساس، نشان داده می‌شود که انتفاضه سایبری چگونه می‌تواند به کنش‌مند سازی تاریخ فلسطین و در نتیجه به هویت‌یابی و تقویت هویت ملی فلسطینی‌ها کمک کند.

ریشه‌های هویت ملی فلسطین و هویت فلسطینی‌های دیاسپورا

با اینکه فلسطینی‌ها از حاکمیت دولت-ملت برخوردار نیستند، اما واجد هویت ملی هستند. ریشه‌های این هویت ملی همواره موضوع بحث گفتمان‌های آکادمیک قرار گرفته است. خلیلی (2010:41) در کتابی با عنوان «هویت فلسطینی: برساخته شدن خودآگاه ملی مدرن» خاطرنشان کرده است که هویت ملی فلسطین در اواخر قرن ۱۹ در امپراتوری عثمانی شکل گرفت و پس از پایان جنگ جهانی اول به شکل امروزی خود درآمد. از نظر ایشان قائل شدن به این گزاره که هویت ملی فلسطین صرفاً در واکنش به ظهور صهیونیسم شکل گرفته است، یک خطای معرفت‌شناسانه است، هرچند که ظهور صهیونیسم بر هویت ملی فلسطین بی‌تأثیر نبوده است (Khalili 2010:41). واضح است که مقابله با صهیونیسم و استقلال‌طلبی پس از جنگ بزرگ مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت ملی فلسطین بوده است. نخستین تشکل‌های ناسیونالیستی فلسطین هم در همین دوران شکل گرفته است. اما این هویت ملی نسبتاً مدرن است و هیچ ریشه‌ای در تاریخ باستان ندارد.

با توجه به اظهارات خلیلی می‌توان گفت که هویت ملی مدرن فلسطین پس از وقایع ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ و منازعات اسرائیل-فلسطین شکل گرفته است. در واقع، تاریخ معاصر فلسطین حول سال ۱۹۴۸ می‌چرخد، سالی که در آن فلسطین از روی نقشه محو شد و فلسطینی‌ها به مردم دیاسپورا تبدیل شدند. از آن پس، روز نکبت به نقطه ثقل هویت فلسطین تبدیل شده است، زیرا از آن تاریخ به بعد هویت مردم فلسطین با آوارگی و تبعید، عدم شناسایی بین‌المللی و آرزوی بازگشت به وطن گره خورده است (Maas 2013). فلسطینی‌های دیاسپورا با یادآوری خاطرات و روایات مشترک خود از روز نکبت و وقایع بعد از آن هویت ملی خود را زنده نگه می‌دارند تا ارتباط نسل جدید

فلسطینی‌ها با تاریخ فلسطین قطع نشود.

کنش‌مندسازی تاریخ در فضای وب: بازسازی دیجیتالی مرزهای تاریخی فلسطین

همان‌طور که در بخش چارچوب نظری اشاره شد، یکی از راه‌های یادآوری هویت ملی کنش‌مندسازی تاریخ است. یعنی از طریق کنش‌هایی مانند سخنرانی‌ها، تجمعات، راه‌پیمایی‌ها و مبارزات آزادی‌بخش می‌توان تاریخ و هویت ملی خود را زنده نگه داشت. استدلال ما در این مقاله این است که فضای سایبر در کنش‌مندسازی تاریخ فلسطین و در نتیجه در تقویت هویت ملی فلسطین نقش مهمی ایفا کرده است. برای این منظور، در اینجا به نخستین تلاش‌های صورت گرفته در فضای وب برای بازسازی دیجیتالی مرزهای تاریخی فلسطین اشاره می‌کنیم تا به موضوع انتفاضه سایبری برسیم.

فضای وب فلسطین به صورت رسمی در سال ۲۰۰۳ در دانشگاه بیرزیت با هدف دولت‌سازی فلسطین ایجاد شد (Ben-David 2011). در آن سال درخواست تشکیلات خودگردان فلسطین برای ثبت رسمی پسوند ملی فلسطین در سایت‌های منصوب به آن کشور مورد موافقت مؤسسه آی‌کان (ICANN) که مسئول ثبت دامنه‌های اینترنتی کشورهاست، قرار گرفت. دامنه‌های اینترنتی معمولاً فقط به کشورهایی اعطا می‌شود که عضو رسمی سازمان ملل باشند. هر یک از کشورهای جهان دارای یک پسوند ملی یا «دامنه سطح بالای کد کشوری» هستند که برای سایت‌های منصوب به آن کشور استفاده می‌شوند. به عنوان مثال دامنه سطح بالای کد کشور ایران .ir و دامنه سطح بالای کشور فلسطین .ps است. پیش از آن وب سایت‌های فلسطینی با پسوندهای کلی از قبیل .net, .org و غیره ثبت می‌شدند و فاقد IP متعلق به کشور فلسطین بودند. در آن صورت، وب سایت‌ها و کاربران فلسطینی فاقد ملیت و هویت دیجیتالی بودند. اما از سال ۲۰۰۳ به بعد فلسطین صاحب فضای وب ملی شد و بسیاری از سایت‌های فلسطینی آدرس اینترنتی خود را به دامنه ملی .ps تغییر دادند (Ben-David 2011).

پس از آنکه فضای وب فلسطین در عرصه بین‌المللی به رسمیت شناخته شد، تلاش‌ها برای

توسعه فضاهای وب فلسطین و فراتر رفتن از مرزهای ژئوپلیتیک فلسطین شدت یافت. یکی از نخستین تلاش‌ها برای این منظور پروژه دانشگاه بیرزیت موسوم به «APB» بود. هدف اولیه این پروژه که در سال ۱۹۹۹ کلید خورد، متصل کردن تمام اردوگاه‌های فلسطینی به سرزمین فلسطین از طریق اینترنت بود. برای این منظور در ۵۸ اردوگاه فلسطینی واقع در داخل اراضی فلسطینی، اردن و لبنان و سوریه مراکز اینترنتی دایر گردید. در چارچوب این پروژه برای ساکنان اردوگاه‌ها دوره‌های فشرده آموزش کامپیوتر و اینترنت ارائه می‌شد تا بتوانند از طریق فضای وب صدای خود را به گوش مردم جهان برسانند و با خانواده، بستگان و دوستان خود در داخل و خارج فلسطین ارتباط برقرار کنند (Ben-David 2011).

پروژه ABP در خلال سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۵ در هشت اردوگاه فلسطینی اقدام به راه‌اندازی یک مرکز اینترنتی نمود: سه مرکز در کرانه باختری، دو مرکز در غزه و سه مرکز در لبنان. برای هر کدام از اردوگاه‌ها یک وب سایت راه‌اندازی شد و سپس این وب‌سایت‌ها از طریق وب سایت اصلی پروژه ABP به هم لینک شدند. اردوگاه «الدهیشه» در کرانه باختری نخستین اردوگاهی بود که در سال ۱۹۹۹ به این پروژه ملحق شد و مرکز اینترنتی آن در مکانی با عنوان «مرکز فرهنگی ابداع» دایر گردید (Aouragh, 2010:108). دومین مرکز در سال ۲۰۰۰ در اردوگاه «خان یونس» واقع در نوار غزه افتتاح شد. تا پایان سال ۲۰۰۰ این پروژه از مرزهای اراضی فلسطین فراتر رفت و یک مرکز اینترنتی دیگر در اردوگاه «البرج الشمالي» در لبنان افتتاح شد. در سال ۲۰۰۱، اردوگاه‌های «الجلزون» و «الأمعري» در کرانه باختری به این پروژه پیوستند. دو اردوگاه آخری که به این پروژه پیوستند، اردوگاه‌های «نورالشمس» و «النصیرات» در داخل مرزهای فلسطین بود (Aouragh, 2010:108-118). فلسطینی‌های داخل و دیاسپورا برای نخستین بار توانستند از طریق وب سایت‌های این پروژه و نیز از طریق سایر تکنولوژی‌های فضای وب از قبیل ایمیل، چت و غیره با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. پروژه ABP همچنین در صدد متصل کردن وب سایت‌های اردوگاه‌های فلسطینی به دیگر وب سایت‌های فلسطینی بود. در نخستین گام برای این منظور

"www.acrossborders.org" (وب سایت رسمی ABP) به وب سایت اردوگاه الدهیشه متصل شد. این اردوگاه‌ها علاوه بر اینکه به یکدیگر متصل شدند، به وب سایت‌های طرفدار حقوق آوارگان، گروه‌های مدافع فلسطین در کشورهای دیگر و به وب سایت سازمان ملل و تشکیلات خودگردان متصل شدند.

این پروژه نشان داد که فضای سایبر می‌تواند تغییرات سیاسی و اجتماعی را تسهیل کند. زیرا درست چند ماه از راه‌اندازی آن نگذشته بود که انتفاضه دوم مردم فلسطین رقم خورد. این انتفاضه تأثیر شگرفی بر پروژه مزبور گذاشت و آن را از یک ابزار متصل‌کننده اردوگاه‌ها به وطن اصلی به یک ابزار قدرتمند برای مبارزه تبدیل کرد. البته در جریان انتفاضه دوم این پروژه تضعیف شد، زیرا گردانندگان آن به راحتی نمی‌توانستند به اردوگاه‌ها سر بزنند و بین کرانه باختری و غزه و سایر کشورها تردد کنند. علاوه بر آن بحران مالی نیز مزید بر علت شد.

با استمرار خشونت‌های اسرائیل در جریان انتفاضه دوم، هدف اصلی وب سایت‌های ABP که شبکه‌سازی بین اردوگاه‌های فلسطینی بود به ایجاد شبکه جبهه مقاومت ملی تغییر یافت. تا قبل از شروع انتفاضه اکثر وب سایت‌های اردوگاه‌ها به شهرها و مناطق فلسطینی لینک بودند، اما پس از شروع انتفاضه همه آنها به انتفاضه معطوف شدند. اگرچه در طول انتفاضه این پروژه توانست مراکز جدیدی در داخل مرزهای فلسطین ایجاد کند، اما بحران مالی در نهایت منجر به تعطیلی آن شد. در سال ۲۰۰۲ این پروژه موقتاً به دامنه www.acrossborder.org (بدون s جمع) مهاجرت کرد. مفهوم استعاری آن این بود که این پروژه توانسته است فقط از یک مرز (لبنان) عبور کند. در سال ۲۰۰۵ پس از انتفاضه، تلاش برای احیای این پروژه در فضای وب شروع شد، اما این بار از پسوند و دامنه ملی www.acrossborders.ps استفاده شد. متعاقب آن، همه وبسایت‌های اردوگاه‌ها به دامنه ملی ps. روی آوردند. اگر هدف اولیه پروژه این بود که اردوگاه‌های فلسطینی مسقر در خاورمیانه را به سرزمین فلسطین متصل کند و مرزهای ۱۹۴۸ را بازسازی کند، مهاجرت نهایی آن به دامنه ملی ps. و تمرکز آن بر اردوگاه‌های آوارگی مستقر در داخل فلسطین همسویی با مرزهای ۱۹۴۷ است که در حال حاضر محل مناقشه است.

جلوه‌هایی از قدرت هویت‌سازی فضای سایبر

۱. لیست ایمیل‌ها

در جریان انتفاضه دوم فلسطین، ارتباط سرزمین فلسطین با جهان خارج به کلی قطع شده بود و خبرنگاران و روزنامه‌نگاران مستقل هیچ‌گونه دسترسی به منابع خبری محلی نداشتند. رژیم اسرائیل خبرهایی سانسور شده را در اختیار رسانه‌های بین‌المللی قرار می‌داد و با توجه به اینکه رسانه‌های بین‌المللی هیچ منبع معتبری جز همین منابع تحریف‌شده صهیونیستی در اختیار نداشتند، روایت‌های خبری تحریف شده صهیونیست‌ها را برای مردم جهان مخابره می‌کردند و عملاً کنترل رسانه‌های جهان به دست صهیونیست‌ها افتاده بود. طبق گفته عاروق (۲۰۱۱:۵۳)، مبارزان فلسطینی در واکنش به این خلأ رسانه‌ای اقدام به تهیه لیستی از ایمیل‌های خبرنگاران مستقل بین‌المللی کردند و اخبار واقعی داخل فلسطین را برای آن‌ها ارسال کردند. این ایمیل‌ها که با عنوان «صدای فلسطین» ارسال می‌شد، به تدریج به خبرنامه‌هایی حرفه‌ای تبدیل شد و اخبار محلی شهرهای مختلف فلسطین از زبان خود مردم فلسطینی به گوش جهانیان رسانده شد. بنابراین، یکی از تفاوت‌های موجود بین انتفاضه اول و دوم این بود که در انتفاضه اول منابع خبری عمدتاً صهیونیستی و تحریف‌شده بودند، اما در انتفاضه دوم به مدد فضای سایبر اطلاعات از منابع فلسطینی مخابره شدند.

۲. نمادسازی و کالایی کردن هویت فلسطین

بارگذاری تصاویر انتفاضه و جنایت‌های رژیم صهیونیستی در فضای سایبر یکی دیگر از مظاهر هویت‌سازی فضای سایبر را به نمایش گذاشت. پیش از ظهور انتفاضه سایبری، حتی ادارات پست هم از تیغ سانسور و کنترل رژیم صهیونیستی در امان نبودند و فلسطینی‌های دیاسپورا در سرتاسر جهان عملاً از سرنوشت بستگان خود در داخل فلسطین بی‌خبر بودند. اما انتفاضه سایبری و بارگذاری تصاویر انتفاضه فلسطینی‌های مقیم کشورهای خارج را تحت تأثیر قرار داد و دل‌های همه آن‌ها را روانه سرزمین‌های اشغالی نمود و حس ناسیونالیستی آن‌ها را تحریک و میل بازگشت به

وطن و نجات وطن را در آن‌ها تقویت نمود. تصویر کشته شدن «محمد الدوره»، کودک ده‌ساله فلسطینی در برابر یک تانک اسرائیلی که توسط یک فیلم‌بردار فرانسوی ضبط شده بود، در فضای سایبر به صورت گسترده منتشر شد. تصویر دیگری از یک کودک دوازده ساله فلسطینی به نام «فارس عوده» که در لحظه پرتاب سنگ به طرف یک تانک اسرائیلی هدف شلیک نیروهای اسرائیلی قرار گرفت در فضای سایبر پخش شد و این کودکان نماد انتفاضه شدند (Aouragh 2013). دیدن این تصاویر و سایر تصاویر گرافیکی در فضای سایبر خشم مردم دنیا را برانگیخت و پس از آن همه دنیا با مردم فلسطین اعلام همبستگی کردند و در حمایت از آنان راهپیمایی کردند و شمع روشن کردند.

بازتولید نماد چفیه (کوفیه) از طریق فضای سایبر یکی دیگر از جلوه‌های قدرت هویت‌سازی فضای سایبر بود. چفیه از دیرباز یک نماد سیاسی بود، اما جنبش‌ها و کمپین‌های آنلاین همبستگی با مردم فلسطین آن را چنان رواج دادند که به نماد مدافعان فلسطین تبدیل شد. این تأکید بر «فلسطینی بودن» از طریق فضای سایبر تقویت شد. همچنین کمپین‌های آنلاین اعلام همبستگی با مردم فلسطین عمدتاً پرچم فلسطین را در پروفایل سایت‌های خود قرار می‌دادند و از این طریق هویت فلسطین و حس فلسطینی بودن را به‌عنوان یک افتخار بزرگ جلوه می‌دادند و نه فقط فلسطینی‌های سرتاسر جهان بلکه مردم جهان نیز با این هویت هم ذات‌پنداری می‌کردند.

همچنین بسیاری از کاربران فیس‌بوک تصویر غزه را به عنوان عکس پروفایل خود انتخاب می‌کردند. این عکس‌ها پیش زمینه سیاه داشت و بر روی آن نام غزه با رنگ سرخ نوشته می‌شد. رنگ سرخ استعاره از خون مردم فلسطین و قربانی شدن آنان است و رنگ سیاه دلالت بر داغدار بودن مردم فلسطین دارد. همچنین این رنگ‌ها پرچم فلسطین را تداعی می‌کنند. برخی کاربران پیش یا پس از نام شخصی خود کلمه «غزه» را اضافه می‌کردند مثل «علی هشام غزه». از سوی دیگر طبق گفته لاله خلیلی (۲۰۰۵)، پس از انتفاضه دوم مردم فلسطین و ظهور کافی‌نت‌ها در فلسطین، جوانان فلسطینی ساکن اردوگاه‌ها در ایمیل‌های شخصی خود از نام‌های اصیل مکان‌های فلسطینی که توسط اسرائیلی تغییر یافته است استفاده می‌کردند. برای مثال:

Saffurieh2001@aaa.com که یادآور روستای صفوریة در ناصره است. همه این مثال‌ها بر قدرت نمادسازی فضای سایبر و نقش آن در انتفاضه سایبری دلالت دارد. این امر نه فقط حس ناسیونالیسم و هویت ملی، بلکه میل به مقاومت را در میان فلسطینی‌ها تقویت می‌کند.

«تجارت آنلاین کالاهای بومی فلسطینی» جلوه دیگری از هویت‌سازی فضای سایبر است که در مطالعات فرهنگی به آن «کالایی کردن هویت» می‌گویند (Reynolds 2003). بر این اساس، در فضای سایبر فروشگاه‌هایی مجازی راه‌اندازی شده است تا فلسطینی‌های دیاسپورا و محبان کشور فلسطین بتوانند کالاهای بومی فلسطین را که در کشورهای میزبان خود موجود نیست، به صورت آنلاین خریداری کنند. مثلاً در جشن‌های عروسی از طریق آنلاین لباس‌های محلی فلسطین را سفارش می‌دهند و بدین‌سان هویت ملی خود را حفظ می‌کنند (Aouragh2011:120).

۳. سفر مجازی به فلسطین

فضای سایبر علاوه بر اینکه رؤیای «جهانی شدن» و «دهکده جهانی» را تحقق بخشید، «محلی شدن» را هم امکان‌پذیر ساخت (Fandy 1999). لذا می‌توان استدلال کرد که فضای سایبر مصداق بارز پارادایم «جهانی - محلی شدن» است (Fandy 1999). یکی از مصادیق این پارادایم «سفر مجازی» در پهنه فضای سایبر است که به انتفاضه سایبری کمک شایانی نمود. فلسطینی‌های دیاسپورا در سرتاسر جهان که امکان سفر زمینی به فلسطین را نداشتند، توانستند به صورت مجازی به شهرها و روستاهای خود در فلسطین سفر کنند (Isaac 2013). در سفر مجازی نیازی به گرفتن ویزا و کارت اقامت و خرید بلیت وجود ندارد و افراد می‌توانند به سرتاسر جهان به صورت مجازی سفر کنند. بنابراین، فضای سایبر از طریق سفرهای مجازی حس ناسیونالیسم و میل بازگشت به وطن را در میان فلسطینی‌های دیاسپورا تقویت می‌کند. برخی کاربران اینترنت درباره سفر مجازی خود به فلسطین چنان با احساس و هیجان حرف می‌زنند که گویی واقعاً به

1- commodification of identity

2- localization

3- glocalization

فلسطین مسافرت کرده‌اند (Isaac 2013).

۴. کافی‌نت‌ها

مراجعه مخفیانه فلسطینی‌ها به کافی‌نت‌ها به‌ویژه به هنگام عملیات نظامی و مقررات منع رفت‌وآمد یکی دیگر از جلوه‌های نمایش قدرت فلسطینی‌ها علیه اسرائیلی‌ها بود (Aouragh 2011:50). مراجعه فلسطینی‌ها به چنین مکان‌هایی که در آن فلسطین آنلاین و آفلاین کنار هم قرار می‌گیرد نمونه‌ای از یک «رفتار گفتمانی» و «اراده معطوف به مقاومت» است که از طریق آن فلسطینی‌ها فاعلیت خود را به اثبات می‌رسانند و در برابر دشمن مقاومت می‌کردند. بنابراین، کافی‌نت‌ها یکی دیگر از جبهه‌های مقاومت فلسطینی‌ها بودند، زیرا مقررات منع رفت‌وآمد را نقض می‌کردند و تحت شرایط سرکوب به شهروندان فلسطینی خدمات اینترنتی ارائه می‌دادند.

شایان ذکر است که انتفاضه سایبری فلسطینی‌ها محدود به مرزهای فلسطین نبود، بلکه به موازات آن در سایر کشورها نیز در جریان بود. یکی از معروف‌ترین نمونه‌های آن وبسایت «انتفاضه الکترونیک» است که در طول انتفاضه دوم راه‌اندازی شد. این وبسایت در شهر شیکاگو آمریکا مسقر بود و خبرهای روزانه انتفاضه و اخبار محلی فلسطین را از منظر فلسطینی روایت می‌کرد. «علی ابو نعمة» یکی از بنیانگذاران این وب سایت است (Hanafi 2005).

بازتولید انتفاضه سایبری در جنگ ۵۱ روزه

انتفاضه سایبری مردم فلسطین چنان تأثیرگذار بود که در جنگ اخیر ۵۱ روزه نیز در مقیاس جهانی و به شکل کمپین‌های آنلاین بازتولید شد. این کمپین‌های آنلاین متعاقباً در فضای آفلاین به راهپیمایی‌های گسترده علیه اسرائیل ترجمه شد. در طول این جنگ، اسرائیل از طریق کنفرانس‌های مطبوعاتی، توئیتر و یوتیوب و فیس بوک تلاش می‌کرد تا حمایت بین‌المللی را جلب کند. ارتش اسرائیل از طریق کانال یوتیوب خود پیام‌های متعددی را برای مخاطبان غربی مخابره می‌کرد تا مخاطبان بین‌المللی را نسبت به عملیات نظامی خود مجاب کند. اکثر ویدئوهایی که آنها در یوتیوب آپلود می‌کردند، مربوط به موشک باران شهرک‌های اسرائیلی توسط حماس بود. یکی از

این ویدئوها شهرهای لندن، پاریس و نیویورک را نشان می‌داد که به صورت فرضی هدف بمباران موشک قرار می‌گیرند و در زیر آن این عبارت نوشته شده بود: «اگر این موشک‌ها شبانه روز بر سر شما بریزند، شما چه کار می‌کنید؟». در مقابله با این موج رسانه‌ای اسرائیلی‌ها، فعالان طرفدار فلسطین در سرتاسر جهان به شبکه‌های اجتماعی و اینترنت متوسل شدند و از این طریق توانستند به مخاطب بین‌المللی دست پیدا کنند و روایت مستقیم خود را به گوش آنان برسانند و روایت اسرائیلی‌ها را به چالش بکشند. نتیجه این تلاش‌ها در عرصه بین‌المللی راه‌اندازی کمپین‌های همبستگی با مردم غزه، امضای طومارهای اینترنتی علیه اسرائیل، رشد روز افزون استیکرها و هشتک‌ها و جمع‌آوری کمک‌های مالی در حمایت از فلسطینی‌ها بود. این کمپین‌ها بر دو حوزه متمرکز بودند: (۱) حمایت از جنبش بایکوت، عدم سرمایه‌گذاری و تحریم اسرائیل (BDS)، (۲) تنویر افکار عمومی نسبت به آرمان مردم فلسطین و وضعیت اسفناک فلسطینی‌ها. یکی از نمونه‌های موفق این کمپین‌های آنلاین جنبش همبستگی با فلسطین در ایرلند و انگلستان بود. در این کمپین‌ها از اقدامات اسرائیل با عناوینی از قبیل «آپارتاید»، «دولت یاغی»، «پاک‌سازی قومیتی»، «جنایت جنگی» و «بحران انسانی» یاد می‌شد (Falk 2013).

در طول این جنگ، اتحادیه‌های صنفی ایرلند از جمله Mandate, ICTU و SIPTU یک طومار اینترنتی راه‌اندازی کردند و از فروشندگان ایرلندی تقاضا کردند تا فروش کالاهای اسرائیلی را تحریم کنند. آنها همچنین با یک فراخوان اینترنتی در شهر دوبلین یک راهپیمایی گسترده برگزار کردند (Abu-Ayyash 2015). این کمپین‌ها به جای اتخاذ گفتمان مذهبی یا قومیتی گفتمان حقوق بشری اتخاذ کردند و از این طریق اسرائیل را به عنوان ناقض حقوق مردم فلسطین محکوم کردند. گفتمان حقوق بشری به راحتی توانست توجه طیف گسترده‌ای از مردم اروپا از جمله جنبش‌های ضدجنگ را به موضوع جنگ اسرائیل علیه غزه جلب کند. بنابراین، فعالیت آنلاین فلسطینی‌ها در شبکه‌های اجتماعی باعث شد فعالان مدافع فلسطین در ایرلند به جای مصرف اخبار رسانه‌های غربی که این جنگ را از زمینه تاریخی آن جدا می‌کنند، روایت خود فلسطینی‌ها را بشنوند و روایت اسرائیلی را به چالش بکشند. همان طور که گفته شد، بسیاری از جنبش‌های

همبستگی که در شهرهای بزرگ انگلیس و بریتانیا از جمله در دوبلین، لندن و گلاسکو صورت گرفت، از طریق توئیتر اعلام شد. این امر ضرورت تمرکز نسل جدید فلسطینی‌ها و فعالان مدافع فلسطین بر فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

انتفاضه سایبری نه فقط فلسطینی‌های دیاسپورا را در ارتباط با همدیگر قرار می‌دهد، بلکه آن‌ها را مجدداً به تاریخ خود پیوند می‌زند و طبق نظریه کنش‌مندی تاریخ باعث یادآوری تاریخ فلسطین و تقویت هویت ملی فلسطینی‌های دیاسپورا می‌شود. با واکاوی پروژه وب ملی فلسطین مشخص شد که فضای وب فلسطین با پسوند ملی کشور فلسطین در صدد احیای مرزهای تاریخی فلسطین بود، اما این پروژه به دلیل بحران مالی در فاز نهایی خود فقط اردوگاه‌های داخل فلسطین را به هم متصل کرد و عملاً به مرزهای ۱۹۶۷ محدود شد. فضای وب ملی فلسطین هرچند که نتوانست از مرزهای جغرافیایی مناقشه برانگیز آن عبور کند، اما خاطره مرزهای تاریخی را زنده کرد. بنابراین، این پروژه نیز همسو با نظریه کنش‌مندی تاریخ بود. مثال‌های متعدد از فعالیت‌های سایبری فلسطینی‌ها در طول انتفاضه دوم ثابت می‌کند که این فضا می‌تواند در هویت‌یابی فلسطینی‌ها راهگشا باشد و بدیلی برای جبهه مقاومت ملی باشد، چرا که انتفاضه سایبری عرصه مناقشه دو روایت فلسطینی و اسرائیلی است، جایی که در آن روایت غالب اسرائیلی به چالش کشیده می‌شود.

منابع

- Abu-Ayyash, S. (2015). The Palestine Solidarity Movement, Human Rights and Twitter. *Networking Knowledge: Journal of the MeCCSA Postgraduate Network*, 8(2).
- Aouragh, M. (2013). Cyber Intifada and Palestinian Identity. *ISIM Newsletter*, 12, 2.
- Aouragh, M. (2011). Palestine online: Transnationalism, the Internet and construction of identity (Vol. 90). IB Tauris.

- Aouragh, M. (2008). Everyday resistance on the internet: The Palestinian Context. *Journal of Arab and Muslim Media Research*, 1 (2), 109–130.
- Ben-David, A. (2011). The emergence of the Palestinian Web-space: A digital history of a digital landscape. *MIT7 Unstable Platforms: The Promise and Peril of Transition*. Cambridge, MA, 13-15.
- Isaac, R. (2013). 12 Palestine Tourism under occupation. *Tourism and war*, 143.
- Falk, R. (2013). International law, apartheid and Israeli responses to BDS. *Generation Palestine: voices from the boycott, divestment and sanctions movement*. Pluto Press, London, 85-99.
- Fandy, M. (1999). CyberResistance: Saudi opposition between globalization and localization. *Comparative Studies in Society and History*, 41(01), 124-147.
- Govcom.org. (2008). Mapping the Palestinian Web Space, September-November 2007.
- Hanafi, S. (2005). Reshaping Geography: Palestinian Community Networks in Europe and the New Media. *Journal of Ethnic and Migration Studies*.
- Khalidi, R. (2010). *Palestinian identity: The construction of modern national consciousness*. Columbia University Press.
- Maas, W. (2013). *The Survival of Palestinian National Identity through Commemoration*.
- Marmura, S. M. E. (2008). *Hegemony in the Digital Age: the Arab/Israeli Conflict Online*, Lanham, MD: Lexington Books.
- Reynolds, R. (2003, October). Commodification of identity in online communities. In annual meeting of the Association of Internet Researchers, Toronto, CA.
- Taggart, W. C. (2004). Ch (c0de): Virtual occupations, encrypted identities, and the Al-Aqsa intifada. *Native on the Net: Indigenous and Diasporic Peoples in the Virtual Age*, 238.
- Winter, J. M. (Ed.). (2010). *performing the past: memory, history, and identity in modern Europe*. Amsterdam University Press.